

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گویم

به توار دور سلام

الحمد لله
#بلغ_سلامنا



کانون مهدویت میثاق دانشگاه صنعتی شریف
شماره بیست و سوم - ۱۷ مهر ۹۹



پارسال برای اولین بار توانستم به سفر پیاده‌روی اربعین بروم. سفری که برایم آنقدر عجیب بود که تا مدت‌ها فکرم از سرم بیرون نمی‌رفت. پدیده‌ی اربعین به نظر من معجزه‌ی امام حسین (ع) است به دلایل زیر:

«لو کان عرضاً قریباً و سفرأ قاصداً و لکن بَعْدَتْ علیهم الشَّقه» خدا به پیامبرش می‌فرماید: «اگر غنایمی نزدیک و سفری کوتاه بود، مسلماً به دنبال تو می‌آمدند اما سختی، راه را به نظرشان دور آورد.» پیاده‌روی اربعین، سفر سختی است. ۸۰ کیلومتر راه رفتن روی جاده‌ی کج و معوج خاکی، زیر ظل آفتاب عراق ۳-۴ روز پشت هم حرکت کردن، آن هم در دنیای لای پر قوی امروز!

اگر این سفر سخت نیست، پس چیست؟ هر چه سخت باشد حتماً طرفدار کمی دارد، اما این یکی انگار جنسش فرق می‌کند. چه انگیزه و شوری توانسته چند میلیون انسان را به یک سفر سخت و پر از درد و خستگی بکشاند؟ و تازه با همه سختی‌ها توانسته در دل آن انسان‌ها به خاطر حضورشان در این سفر احساس خوشبختی ایجاد کند! برخی اطرافیان پیامبر (ص) به خاطر سختی راه، بهانه می‌جستند. اما اکنون میلیون‌ها نفر سختی را به جان می‌خرند، فقط به عشق حسین (ع)! به نظر شما معجزه نیست؟ ویژگی شگفت‌انگیز دیگر اربعین، یکسان شدن مردم است. وقتی در صف گرفتن غذا از موکب می‌ایستی، دیگر فرقی نمی‌کند فقیر بوده‌ای یا ثروتمند، خدمتکار خانه یا پزشک و مهندس. انگار این معیارهای دروغینی که ما به زندگی‌هایمان وصله کرده‌ایم کنار می‌روند و حقیقت «در آفرینش ز یک گوهر بودن» خودنمایی می‌کند. این چه چیزی جز نور لایزال حق است که قدرت داشته پته‌ی این دروغ‌ها را نقش بر آب کند؟ انگار که خواسته باشند ما قطره‌ای از این حس قیامت را بچشیم که «لا ینفع مال و لا بنون، الا من اتی الله بقلب سلیم» میزبانان اربعینی

را که نگاه می‌کنی، هر کس هر چه که در توانش بوده به میدان آورده‌است! حتی اگر جعبه‌ی دستمالی بوده و یا شیشه‌ی عطری! جایی پیرمرد سیه‌چرده‌ای را دیدم که در وسط جاده رو به زوار نشسته بود و سینی خرمایی روی سر گذاشته بود و به زائران تعارف می‌کرد. از ظاهرش پیدا بود وضع مالی مناسبی ندارد. نگاه نافذ و خالصانه‌ای داشت که تا اعماق جانم فرو رفت. نمی‌دانم برای تهیه‌ی آن سینی خرما چقدر زحمت کشیده بود... در اربعین همه‌ی افراد، اعم از میزبان و میهمان، آماده‌ی فداکاری برای یکدیگر و خدمت به هم هستند. یکی از یکی مهربان‌تر و خوش‌اخلاق‌تر! یک جامعه‌ی آرمانی در مقیاس کوچک! چیزی که هیچ تمدنی و هیچ جامعه‌شناس یا سیاستمداری تا به امروز نتوانسته ماندنش را محقق کند. معجزه‌ی حسین علیه‌السلام! مقدمه‌ای برای جامعه‌ی آرمانی جهانی! می‌گویند مهدی (عج) که ظهور می‌کند، ندا می‌دهد که من پسر حسینم! به قول استادی، شاید یعنی همه‌ی جهانیان حسین (ع) را می‌شناسند که امام خود را به نام او معرفی می‌کند. و اربعین؟ پدیده‌ای با پتانسیل شناساندن حسین (ع) به تمام مردم عالم

پدیده‌ای از جنس معجزه



امام خود را بهتر بشناسیم

زینب عبادی فارغ التحصیل رشته تجربی

زمان: ۴ دقیقه



برای «چگونه بودن» نیاز به الگو داریم و نقش الگو در تربیت، چنان روشن است که نیازی به بیان و توضیح نیست. آنچه در این الگوگیری و اسوه‌یابی و تأسی به اخلاق اولیای الهی کارساز است، آشنایی با جزئیات صفات و رفتار آنان است، نه کلیات.

خوشبختانه در کتب حدیث و سیره، نمونه‌های رفتاری پیامبر (ص) و امامان (ع) به صورت ریز و جزئی آمده‌است که آشنایی با آن‌ها بسیار سودمند بوده و گامی در جهت خودسازی و تعالی بخشیدن به جامعه است. انسان در دید ژرف‌نگر اسلام، بیابان‌گردی سرگردان و گمگشته‌ای در تاریک‌زار زندگی نیست. او کشتی شکسته‌ای شوربخت و ناامید و اسیر موج‌های بیم‌زا و هراس‌آفرین نمی‌باشد. بلکه موجودی مسئول است که با مقصد و

مقصودی مشخص، با زاد و توشه‌ای کامل و راهنمایی درونی و برونی به سفری پرداخته که از صحرای عدم آغاز می‌شود و تا باریافتن به لقای الهی ادامه دارد. تمامی نیروهای خلقت، انسان را در این سفر، صادقانه یاری می‌کنند و خداوند با لطف بیکران خویش، از راه‌های گوناگون به «هدایت» پرداخته‌است و بهترین جایگاه جاودانه را در سرای آخرت برای او مهیا کرده‌است.

انسان برای به دست آوردن نیکبختی خویش و سعادت‌مندی جامعه و رضایت خداوند، باید در طول این سفر چگونه زیستن را بیاموزد و این آموزه‌ها را در زندگی خویش به کار بگمارد اسلام عزیز برای پاسخگویی بدین سؤال بسیار اساسی، دو شیوه را دنبال کرده است:

الف: بیان احکام و دستورهای زندگی از آغاز تا فرجام

ب: ارائه‌ی الگوهای تربیتی و نمونه‌های عینی کمال

بر اساس همین شیوه‌ی دوم، در قرآن مجید بارها از پیامبران و دیگر انسان‌های والا، سخن به میان آمده و جنبه‌های الگویی آنان ستایش شده تا دیگران نیز به آنان تأسی بجویند. در مکتب حیات‌بخش تشیع (اسلام راستین) معرفی این الگوهای الهی گسترده‌تر است و پیشوایان معصوم که بهترین اسوه‌ها و الگوهای زندگی‌اند، فرا روی چشمان باز و دل‌های آگاه قرار دارند تا آنان که مسئولیت الهی و رسالت انسانی خویش را درک کرده‌اند و تصمیم برای رسیدن به چکادهای فرازند فضیلت و کمال دارند، با درس گرفتن از آنان زیستنی شرافتمندانه که سعادت دنیا و آخرت را تأمین می‌کند، در پیش گیرند. رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع)، اسوه‌ی بشریت‌اند و تبعیت عملی از آنان رهنمون کمال‌جویان است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي.»^۱

خداوند مرا تأدیب کرده و ادبم را نیکو ساخته‌است

امام سجاد علیه‌السلام فرمود:

«أَلَا وَإِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي
بُسْنَةَ إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ.»

«هشدار که منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که شیوه‌ی امامی را پیروی کند ولی از سیره‌ی عملی او پیروی ننماید.»

الکافی، ۸: ۲۳۴، ح ۳۱۲

قسمت اول: عدالت جهانی

گونه‌ای که هیچ ستمی به احدی روا نمی‌شود؛ چنان چه امام رضا(ع) فرمودند: خدا به وسیله‌ی وی زمین را از هر گونه ستمی پاک می‌گرداند و آن‌گاه که ظهور کند، زمین به نور او درخشان گردد و قانون عادلانه را در بین مردم رواج می‌دهد؛ در نتیجه، هیچ کس به کس دیگر ظلم روا نمی‌دارد. ۴

یامبر اکرم (ص) فرمود: «به راستی که علی بن ابی طالب (ع) امام امت من است... و قائم (عج) از نسل اوست. آن کس که زمین را از عدالت و مساوات لبریز می‌کند، آن‌گونه که از ستم و بیداد لبریز گشته باشد.»

* * *

از روشن‌ترین مظاهر دولت امام زمان (عج) آن است که جهان آن‌گونه که از ستم پر شده‌است، از قسط و عدل پر می‌شود و این مضمون در روایات فراوانی بیان شده و گویای حاکمیت نظام عادلانه و مبتنی بر حق در همه جای عالم است و این خواسته‌ی الهی در دوران حضرت قائم (عج) تحقق خواهد یافت در دوران ظهور، اصل عدالت در همه‌ی مسائل کلی و فرعی هستی جریان می‌یابد، به

ویژگی مهم سیره‌ی معصومین (ع) در این است که مورد پسند و قبول پروردگار بوده و با اطمینان می‌توان از آن پیروی کرد. ۲. اکنون قصد ما بر این است که به عنوان نمونه‌ای از دریای موج و گران‌قدر روایات، بتوانیم در هر شمارگان بخشی از فضیلت‌های امام زمان (عج) خود را بشناسیم، تا با معرفت بیشتر، بهتر بتوانیم مقدمات ظهور آن حضرت را فراهم کنیم **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**

«عدالت جهانی»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّ عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ إِمَامُ أُمَّتِي وَ مِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» ۳

- منابع
- ۱- میزان الحکمه، ج ۱ ص ۷۸
 - ۲- مقدمه کتاب چهل حدیث « سیره مهدوی(عج) »، نوشته سید محمود مدنی
 - ۳- کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۸
 - ۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲



مقتضیات زمانه

این داستان صلح امام حسن علیه‌السلام

علیرضا غنیمتی، ورودی ۹۶ مهندسی شیمی

زمان: ۴ دقیقه



از شبهاتی که هنوز هم بازار داغی دارد، این است که چرا روندی که دو امام و دو برادر دستور کار قرار دادند این همه تفاوت دارد؟ و چرا امام حسن (ع) به جای جنگ، با معاویه صلح کرد؟

متأسفانه این واقعه هم در زمان خودش به اندازه‌ای مبهم بود که حتی در بین دوستان نزدیک حضرت نیز ناشناخته بود و حتی فردی مثل حجر بن عدی آمده و امام حسن (ع) را درباره‌ی این صلح مورد نکوهش قرار می‌دهد؛ و هم با گذشت زمان و خصوصاً در دوره‌ی خلفای عباسی به این ابهام و انحراف برداشت‌ها دامن زده شد و داستان به طور کلی منحرف گردید. برای مثال گفته شد: امام حسن (ع) خلافت را به مال دنیا فروختند، در حالی که جنگ ایشان با معاویه جنگ میان دو مدّعی حکومت نبود؛ جنگی حداقل ۵۰ ساله و بین دو تفکر و دو ایدئولوژی بود که از زمان پیامبر اسلام (ص) و ابوسفیان شروع شده بود.

حال برای فهم درست ماجرا باید به ریشه‌های این صلح بپردازیم:

یکی از مهم‌ترین عوامل، شرایط مناطق تحت حکومت امام حسن (ع) و معاویه بود؛ امتیاز بزرگ معاویه این بود که بر منطقه‌ی شام حکومت می‌کرد که در آن، همه بومی و هم‌زبان و هم‌نژاد و هم‌فکر بودند و در طرف مقابل کوفه بود که در آن گروه‌های مختلفی وجود داشتند؛ گروهی بومی کوفه، یک گروه کسانی که از مدینه و حجاز با امیرالمؤمنین (ع) به کوفه آمده بودند، یک عده کسانی بودند که بعد از اینکه کوفه مرکز خلافت

در جنگ کشته نمی‌شد، کشته نشدن ایشان به معنای فتح نبود بلکه ایشان یا اسیر معاویه می‌شد یا مجبور به تسلیم، که در هر صورت معاویه غالب جنگ بود و با لطفی که از نظر عامّهی مردم به ایشان می‌کرد و ایشان را آزاد می‌کرد، محبوب دل‌های اکثریت جامعه می‌شد. پس انتخاب گزینه‌ی جنگ در هر صورت برابر بود با حذف بزرگ‌ترین رقیب معاویه یعنی امام حسن (ع) از صحنه.

راه دیگر نیز صلح بود که معاویه نیز آن را پذیرفت و از مفاد آن این بود که به معاویه امیرالمؤمنین گفته نشود (یعنی خلیفه‌ی رسمی نیست)، حکومت بعد از آن امام حسن (ع) و اگر ایشان نبودند امام حسین (ع) است و... با این صلح بزرگ‌ترین دشمن، برای ادامه‌ی دشمنی خود باقی ماند و بالتبع شیعیان واقعی و نزدیک امام و قرآن و اسلام واقعی نیز باقی ماند، حزب تشیع تشکیل شد و زمینه برای براندازی حکومت بنی امیه فراهم شد و معاویه با نقض عهدنامه و تعیین جانشین در تاریخ رسوا شد که همه و همه از برکات از خود گذشتگی و انتخاب شجاعانه‌ی صلح توسط امام حسن (ع) بود اگرچه که اعتبار شخص ایشان حتی در زمان خودشان و توسط دوستان نزدیکشان به علت عدم فهم این برکات از دست رفت.



منبع: دو امام مجاهد، آیت الله خامنه‌ای

شد، از شهرهای اطراف به آن جا آمده بودند و... و همین باعث اتحاد مردم شام در مقابل پراکندگی کوفیان بود که امیرالمؤمنین (ع) نیز در خطبه‌ی ۲۷ نهج البلاغه به آن اشاره کرده است.

از طرفی امام حسن (ع) مقید به روش‌های اسلامی بودند و در مقابل، معاویه‌ای بود که به راحتی ارزش‌های اسلامی را زیر پا می‌گذاشت؛ خصوصاً سخاوت او در بخشش بیت‌المال که حتی سرداران نزدیک امام حسن (ع) را نیز به طمع انداخته بود.

درباره‌ی وضعیت لشکریان امام حسن (ع) نیز آمده است که ایشان فرماندهی سپاه را به عبیدالله ابن عباس دادند که هم از خویشاوندان ایشان بود و هم از آن جایی که دو فرزند خردسالش به دستور معاویه جلوی مادرشان سر بریده شدند، کینه‌ی شدیدی نسبت به معاویه داشت که حتی او نیز با پیشنهاد یک میلیون درهم از معاویه، شبانه از لشکر امام حسن (ع) جدا شد و بعد از آن نیز با حيله‌های معاویه، توسط فرماندهان خود حضرت به جان ایشان سوءقصد شد و حتی گلیم زیر پای ایشان نیز به غارت رفت و روحیه‌ی لشکریان ایشان به شدت ضعیف شد.

حال باید بررسی کرد که چه گزینه‌هایی پیش روی امام حسن (ع) قرار داشت و چرا گفته می‌شود که انتخاب صلح بهترین گزینه بود؟ دو گزینه‌ی دشوار پیش روی امام (ع) قرار داشت که گزینه اولی، گزینه‌ی جنگ بود که با توجه به توضیحات بالا احتمال پیروزی بسیار ناچیز بود و به احتمال قوی یکی از دو حالت اتفاق می‌افتاد: حالت اول این بود که امام حسن (ع) قهرمانانه و با آن عده‌ی کم خود را به کشتن بدهد و شهادت را انتخاب کند که گرچه کار پر شور و حماسه‌ای است ولی در این صورت تمام یاران و شیعیان واقعی ایشان، از جمله امام حسین (ع) قبل از ایشان و برای دفاع از امام و فرماندهی خود شهید می‌شدند، که مساوی بود با حذف مکتب اسلام. حالت بعدی این بود که اگر ایشان

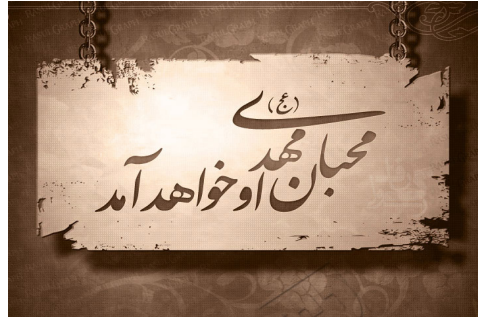
أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الْإِمَامُ الْقَائِمُ
 آگاه باشید ای جهانیان که منم امام قائم
 أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمَامُ الْمُنتَقِمُ
 آگاه باشید ای اهل عالم که منم شمشیر انتقام گیرنده
 أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا
 بیدار باشید ای اهل جهان که جد من حسین را تشنه کام کشتند
 أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُريَانًا
 بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را روی خاک افکندند
 أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ سَحَقُوهُ عُذْوَانًا

آگاه باشید ای جهانیان که حق جد من حسین را از روی کینه توزی پایمال کردند این ها ندای آسمانی حضرت قائم به هنگام ظهور است. به جملات دقت کنیم. در چهار ندا ایشان به جد بزرگوارشان امام حسین اشاره می کنند. آری ایشان خود را با امام حسین به همه می شناسد. لازمه ی این چیست؟ مگر نه این که مردم باید حسینی (ع) که قائم در مورد آن سخن می گوید، پیش از ظهور حضرت بشناسند؟ یکی از نتایج پیاده روی اربعین همین است، این لشکر عظیم برای پیاده روی چه کسی می روند؟ حسین کیست؟ این سوالی است که جهانیان با مشاهده ی این مراسم بزرگ از خود می پرسند. عجیب نیست که حتی برخی از رسانه های خود غربی ها هم از این مراسم به «بزرگ ترین مراسم مذهبی جهان» یاد کنند.^۱ انجیل متی ظهور موعود را این گونه توصیف می کند: «آنگاه علامت پسرانسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسرانسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال می آید.»^۲ این کتاب یکی از علائم ظهور را عزاداری همه ی امت های زمین دانسته است. آیا این پیاده روی را نمی توان یکی از مصادیق این آیه دانست؟ هر ساله از سراسر جهان همه به این پیاده روی می آیند، از هر مسلکی، مسلمان، مسیحی، کلیمی و.... آری برای مظلومیت پسرانسان می آیند

به امید آن روز که انتقام مظلومیت حسین (ع) گرفته شود

(۱) روزنامه ایندپندنت انگلیسی

(۲) انجیل متی: فصل ۲۴ بند ۳۰



فائزه عاطفی نیا، ورودی ۹۵ کارشناسی مواد

زمان: ۲ دقیقه



آسیب شناسی روایات مهدوی

منبع: پاکروان، مهدیه، استراتژی منجی، تهران: انتشارات پناه

در منابع شیعی، روایات فراوانی درباره‌ی حضرت مهدی (عج) اعم از تولد، غیبت صغری، غیبت کبری، نواب و سرانجام ظهور آمده‌است؛ لذا به صورت طبیعی زمینه‌ی شناخت حضرت مهدی (عج) گسترده و کامل است. در این راستا قاعدتا نباید مشکلی وجود داشته باشد، اما با وجود این حجم انبوه، برای شناخت و تحلیل مسائل مربوط به مهدویت باید راه پریپیچ و خمی را طی کرد؛ زیرا

(۱) پیامبر (ص) و امامان (ع) در دوران خود، تاریخ جاری بودند و برای ما تاریخ ماضی، اما اخبار مربوط به حضرت مهدی (عج) هیچ‌یک از این دو نیست، بلکه تاریخ آتی است؛ آنچه در آینده رخ خواهد داد. بنابراین هم شناختش سخت‌تر و هم آسیب‌های آن بیشتر است، زیرا سخن از رویدادی بزرگ که به آینده‌ای نامعلوم موکول شده‌است، پیچیدگی‌های زیادی دارد (۲) شاخصه‌ی خاص موعود شیعی این است که او هم‌اکنون زنده است. حضرت مهدی (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع) متولد سال ۲۵۵ قمری است که پس از غیبتی حدود هفتادساله، که بدان غیبت صغری می‌گویند، غیبت طولانی و رازآلودش آغاز شد. این موضوع و نیز سایر مشخصاتی که در دکتترین مهدویت وجود دارد بستر سوءاستفاده‌های مختلف را از این اندیشه فراهم آورده‌است. از سوی دیگر در تفکر شیعی، تأکید بر زنده بودن موعود، این شخصیت را از حالت انتزاعی درمی آورد؛ هویت او را عینی

می‌کند و ضمن آن، قداست و جاذبه‌اش را نیز افزایش می‌دهد. همین امر زمینه‌ای برای بهره‌برداری از احساسات و عواطف مردم شده‌است و در طول تاریخ برخی خود را منجی یا نائب او دانسته‌اند. این مسئله در قرون متقدم اسلامی موجب ورود برخی اخبار و روایات به اندیشه‌ی مهدویت نیز شده‌است که در این کتاب بدان خواهیم پرداخت (۳) تاریخ‌نویسی ظرفیت‌های فراوانی برای تغییر و تحریف دارد؛ علی‌رغم آن ابزارهایی وجود دارد که با آن‌ها می‌توان تا حدودی تحریف‌ها را کشف کرد، اما آنچه مربوط به آینده است قابلیت بیشتری دارد تا گزاره‌هایی در آن گنجانده شود که متناظر با نیاز هر عصر و زمانی تولید می‌شوند (۴) به دلیل محوریت عدالت در دکتترین مهدویت، این اندیشه دارای ظرفیت ظلم‌ستیزی است. همین امر آن را در شمار مباحث سیاسی نیز درآورده‌است. بر این اساس در مبارزه علیه حکام از منجی‌گرایی به برداری شده‌است؛ عنوان پتانسیلی قوی بهره یعنی در موارد متعددی رهبران در قیام‌ها و خیزش‌های اجتماعی برای ترغیب پیروان خود از مفاهیمی مرتبط با بحث مهدویت استفاده کرده‌اند. این امر نیز ممکن است سبب تولید گزاره‌هایی خاص برای جذب پیروان یا مشروعیت‌بخشی به قیام‌ها شده باشد. بر اساس دلایل فوق، باید با هوشیاری با اخبار مهدوی روبه‌رو شد و به شبکه‌ای از عوامل و حوادث در کنار آن‌ها توجه کرد



دایره المعارف مهدوی ۴۰ عددی رازآلود

حضرت موسی (ع)، چهل شب با خدا خلوت کردند معمولاً عرفا برای خودسازی چله می‌گرفتند و برخی علما، چهل حدیث (اربعین) نوشته‌اند. رسول خدا (ص) فرمود: «هنگامی که عیسی (ع) از آسمان فرود آید و دجال را بکشد... تا چهل سال، زندگی پر بار و آسوده‌ای خواهید داشت.» امام سجاد (ع) فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، توان و نیروی هر یک از شیعیان ما را برابر نیروی چهل مرد می‌گرداند

و یا چهل چهارشنبه شب در مسجد سهله بیتوته کرده و تضرع و عبادت می‌کردند تا به فیض دیدار حضرت نازل شوند بسیاری نیز برای ملاقات با حضرت نذر می‌کنند تا چهل شب جمعه به مسجد جمکران بروند حضرت علی (ع) در پاسخ صعصعه بن صوحان، چهل علامت برای آخرالزمان ذکر کردند پیامبر گرامی اسلام (ص) در چهل سالگی مبعوث شدند

در عدد چهل، رازی نهفته است. در باب این عدد، روایات بسیاری آمده است. که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. حضرت مهدی (عج) در سنّ انسان چهل ساله ظهور می‌نمایند و چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهد رفت هر کس چهل صبح، دعای عهد را بخواند از یاران حضرت ولی عصر (عج) قرار می‌گیرد بسیاری از صالحان، چهل شب جمعه از مسجد کوفه به مسجد سهله رفته



کانال تلگرامی نشریه مشتاق

@nashriyeh_moshtaaq

ایمیل

paper.moshtaaq@gmail.com

صاحب امتیاز: کانون مهدویت میثاق

مدیر مسئول: علیرضا غنیمتی

سردبیر: الهه بدلی

ویراستار: مرجان کوشکستانی، هدی بهمنی

صفحه‌آرا: مطهره یوسفی

تیم تحریریه:

فاطمه زرگرباشی، زینب عبادی، علیرضا

غنیمتی، میلاد صمیمی‌فر، فائزه عاطفی‌نیا